

عزای حسینی

محرم در جغرافیای ایران (۴)

عزای محرم یا فرهنگ و آداب شهرهای مختلف ممزوج شده است. هر یک از مناطق کشورمان هم سبک خاص خود را در عزاداری و مراسم سوگواری دارند که در برخی از این سنت‌ها شباهت‌های فراوانی را می‌توان مشاهده کرد. برپایی دسته‌های عزاداری، تعزیه، گرداندن علم و نخل و پخش غذای نذری از جمله مراسم است که در عمده شهرهای کشور برپا می‌شوند. گاهی این سنت‌ها به قدری جالب توجهند که مردم رانه تنها از سراسر کشور بلکه از کشورهای دیگر به تماشای دعوت می‌کنند. طی روزهای آتی در این ستون به معرفی برخی از این سنن می‌پردازیم.

دمام زنی بوشهری‌ها

عزاداری بوشهری‌ها یکی از پرطرفدارترین مراسم‌های محرم و روز عاشورا است. نوای سنج و دمام بوشهری حزنی عجیب دارد که دل‌های عزاداران را در سینه می‌لرزاند. در این شهر سینه‌زن‌ها حلقه‌های عزاداری را تشکیل می‌دهند و صدای سینه‌زدن همراه با سنج و دمام ریتمی خاص و شنیدنی را به وجود می‌آورد. دمام سازی کوبه‌ای است که نواختن آن در شهرهای جنوبی ایران رواج دارد. سفر به شهر بوشهر و دیدن عزاداری جنوبی هادر روزهای محرم خالی از لطف نیست.

مرثیه خوانی گیلانی‌ها

عزاداری محرم در گیلان همانند مراسم محرم در سایر شهرهای ایران قدمتی دیرینه دارد. مردم گیلان از سال‌های دور با آیین‌ها و رسوم مختلف به استقبال ماه محرم می‌روند. در بسیاری از شهرهای گیلان هنوز آیین‌های قدیمی محرم حفظ شده‌اند و با شور فراوانی برگزار می‌شوند. آیین‌های سنتی ماه محرم در گیلان در برخی موارد به شکل متفاوتی نسبت به شهرهای دیگر اجرامی شود. در این ماه مردم گیلان لباس‌های سیاه و تیره به تن می‌کنند و با مراسم و آیین‌های مختلف نوحه خوانی و علم‌گردانی برای امام حسین سوگواری می‌کنند. کلیه امام‌زاده‌ها، مساجد و اماکن مقدس نقاط متمرکز عزاداری در گیلان هستند. مرثیه‌خوانی در این مکان‌ها معمولاً طبق برنامه‌ای مشخص به زبان فارسی و گیلکی اجرامی شود.

زنجیر زنی آبادانی‌ها

عزاداری محرم در آبادان هر سال با نوحه خوانی و دسته‌های عزاداری، سینه‌زنی و زنجیرزنی اجرامی شود. یک ماه اندوه و سیاه‌پوشی برای امام حسین تمام شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که در این روزها پیر و جوان در هیئت‌های عزاداری شرکت می‌کنند و حال و هوای شهر رنگ دیگری به خود می‌گیرد. مردم آبادان درست از شب قبل از محرم لباس سیاه به تن می‌کنند و همه مساجد، تکایا و حسینیه‌ها را سیاه‌پوش می‌کنند. در بسیاری از کوچه‌ها و خیابان‌های شهر، ایستگاه‌ها و سقاخانه‌هایی راه‌اندازی می‌شود و جوانان با چای، شربت و شیراز عابری پذیرایی می‌کنند. در طول ماه محرم بسیاری از عزاداران و مردم در خانه‌های خود یا در مساجد غذای نذری می‌پزند و بین مردم پخش می‌کنند.

سیاه پوشی تهرانی‌ها

تهرانی‌ها به عنوان مردمی که از قدیم به عزاداری برای سالار شهیدان پایبند بوده‌اند، آداب و رسوم خاصی را برای روزهای محرم بجا می‌آورند. در طول تاریخ تهرانی‌ها حتی اگر دستشان تنگ بود و وسع‌شان هم نمی‌رسید که برای ماه محرم لباس سیاه بخرند، یک یا چند لباس را با جوهر رنگ می‌کردند تا مناسب عزای امام حسین باشد. برخی هم لباس‌شان را می‌فروختند و به جای آن، لباس نو سیاه می‌خریدند. «سیاه پوشی» یکی از رسوم مردم تهران در محرم است که از همان روزهای ابتدایی یا حتی چند روز قبل از شروع محرم بجا آورده می‌شود. تزیین مساجد و تکایا با پارچه‌های مشکی رنگ هم برای برگزاری رسوم ماه محرم، شور بیشتری به عزای حسینی می‌دهد.

مشعل گردانی قمی‌ها

یکی از آیین‌های مذهبی دهه اول محرم در مناطق مرکزی و جنوبی ایران نظیر قم، شهرری و اردکان یزد مشعل گردانی است که عرب‌ها بیشتر آن را اجرامی‌کنند. این مراسم که قدمتی حدود ۵۰۰ سال دارد، در گذشته با مشعل‌های هیزمی برگزار می‌شد، اما در سال‌های اخیر مشعل‌های گازسوز جایگزین آن شده است. مشعل، چوب بلند و باریکی است که ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر روی آن نصب شده است و هر یک با پارچه‌های ضخیم و پشمی و با نفت یا گاز ژئیل روشن می‌شود. طبل و سنج معمولاً از بخش‌های مهم آیین مشعل گردانی هستند که با ضرب آهنگی تندنواخته می‌شوند.

تقویم تاریخ

پلیس جنوب، شبه نظامی و بیگانه

۱۰۷ سال پیش، برابر ۱۳ مرداد ۱۲۹۴ خورشیدی، با اعمال نفوذ بریتانیا، یک نیروی نظامی محلی و مزدور متشکل از سربازان مستعمرات آسیایی انگلستان به اسم «پلیس جنوب» در جنوب ایران تشکیل شد. این نیروی نظامی عمده افراد خود را در شهرهای کرمان و نیریز متمرکز کرده بود. پلیس جنوب در اصل برای مقابله با نفوذ آلمانی هادر مناطق جنوبی ایران به وجود آمد و تا شش سال بعد که با ضرب و زور دولت وقت منحل شد، نیمه جنوبی ایران را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده بود.

شاگرد آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی

۹۲ سال پیش، برابر ۱۳ مرداد ۱۳۰۹ خورشیدی، آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی، از مراجع تقلید شیعه در شهر مشهد به دنیا آمد. خاندان او از سادات حسینی اند که در عهد صفوی در سیستان می‌زیستند و چنانچه در تاریخ آمده جد اعلای اوسید محمد که در عهد صفوی ساکن اصفهان بود، از سوی سلطان حسین صفوی به عنوان شیخ الاسلام سیستان منصوب شد. آیت‌الله علی سیستانی را پدیدار جمله شاگردان بلافصل آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی مرجع بزرگ شیعیان جهان به شمار آورد. ایشان از معدود افرادی است که اجازه نامه کتبی اجتهاد از استادش آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی در اختیار دارند. آیت‌الله سیستانی هم اکنون در نجف ساکن هستند.

تبعید نخست وزیر به قلعه احمدآباد

۶۶ سال پیش، برابر ۱۳ مرداد ۱۳۳۵ خورشیدی، دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر قانونی ایران که دولت او با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ساقط شده بود، پس از تحمل ۳ سال حبس، به احمدآباد ساوجبلاغ، نزدیک کرج و به قول خود او «قلعه احمدآباد»، تبعید شد و تا پایان عمر به مدت ۱۰ سال و هفت ماه در این روستا تحت نظر بود. تبعید دکتر مصدق به این روستا، از سوی حقوقدانان اقدامی غیرقانونی اعلام شده است، زیرا این تبعید به حکم دادگاه نبود و به اراده و طبق سیاست دولت وقت صورت گرفته بود. دکتر مصدق در همان قلعه احمدآباد مدفون است.

کلید خوردن جنگ طولانی ویتنام

۵۸ سال پیش، برابر ۴ آگوست ۱۹۶۴ میلادی، با حمله قایق‌های توپدار ویتنام شمالی به دو ناوشکن آمریکایی در خلیج تونکن، جنگ ویتنام به شکل رسمی آغاز شد. در پی این حمله کنگره آمریکا به رئیس‌جمهوری این کشور اجازه داد تا برای دفع هر نوع حمله و خطر نسبت به نیروهای آمریکایی دست به هر اقدامی بزند. واقعه خلیج تونکن در واقع آغازی بر جنگ خونین و ۹ ساله در ویتنام بود که تلفات بسیاری بر جای گذاشت. ایالات متحده در این جنگ که تا آوریل ۱۹۷۵ به طول انجامید به اندازه ۴۰۰ بمب اتمی هیروشیما بر روی ویتنام شمالی بمب ریخت و ۸۵۰۰۰ فروند از هواپیماها و هلیکوپترهای خود را نیز از دست داد.

فوکوس



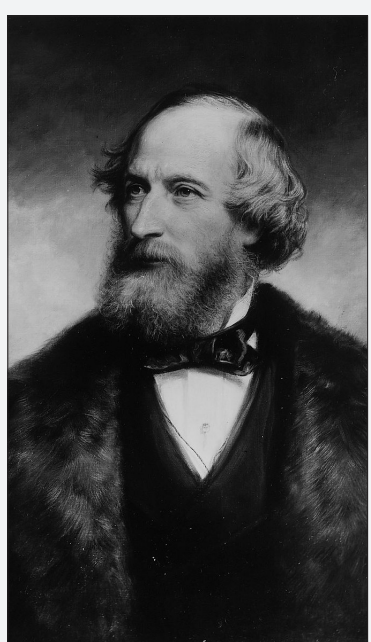
مظفرالدین شاه سوار بر سه چرخه در کنار درباریان - ۱۲۸۰

۱۱۶ سال پیش، برابر ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی، مظفرالدین شاه قاجار، به‌رغم مخالفت اکثریت رجال، شاهزادگان و درباریان قاجاری با صدور فرمان مشروطیت، مشارکت مردم در امر حکومتداری را پذیرفت. شاه قاجار این فرمان را خطاب به صدراعظم خود میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صادر کرد، اما اصل فرمان به خط و انشای احمد قوام السلطنه است.

معما

اتصال دو سر آتلانتیک با کابل

۱۶۴ سال پیش، برابر ۴ آگوست ۱۸۵۸ میلادی، کابلی کشی در بستر اقیانوس اطلس به همت سایروس وستفیلد (سرمایه‌دار آمریکایی) به پایان رسید. این خط تلگراف، دو سوی اقیانوس اطلس را به یکدیگر مرتبط می‌کرد و به کمک آن دیگر نیاز نبود برای فرستادن یک پیام ساده، انبوهی از نامه توسط کشتی‌ها یا هواپیماهای پست عرض آتلانتیک را طی کنند. جالب است بدانید همین خط تلگراف سال‌ها بعد سرنوشته یکی از بزرگترین جنگ‌های تاریخ معاصر را عوض کرد. ایالات متحده در گرما گرم جنگ بین‌المللی اول، با دنبال کردن دکترین جیمز مونرو - مبنی بر عدم دخالت در اروپا - خود را از این جنگ جهانی دور نگاه داشت. وودرو ویلسون، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، در برابر اصرارهای انگلستان و فرانسه فقط به قطع رابطه سیاسی با آلمان اکتفا کرده بود، اما کشف تلگراف آرتور زیمرن - وزیر امور خارجه امپراتوری آلمان - به سفیر این کشور در مکزیک، معادلات در آن سوی آتلانتیک را بر هم زد. بله درست حدس زدید، جرقه ورود ایالات متحده به جنگ جهانی اول چیزی نبود جز یک تلگراف! در این تلگراف که توسط سرویس اطلاعاتی بریتانیا کشف و رمزگشایی شد، زیمرن به سفیر آلمان در مکزیک دستور داده بود از مکزیکوسیتی بخواهد به نفع آلمان وارد جنگ با ایالات متحده شود و در عوض ایالت‌های تگزاس، آریزونا و نیومکزیکو را با حمایت برلین ضمیمه کشور خود کند. احتمالاً وقتی آمریکا با اعلان جنگ به آلمان رسماً وارد جنگ جهانی اول شد، برلین به این می‌اندیشید که بهتر بود تلگراف هیچگاه اختراع نمی‌شد! وزیر امور خارجه آلمان برای فرستادن این پیام به سفارت کشورش در مکزیک از کابلی تلگراف اقیانوس اطلس که توسط سایروس وستفیلد کشیده شده بود بهره گرفت. وستفیلد دو دهه پس از اختراع تلگراف توسط ساموئل مورس، ضمن همراه کردن تعدادی از صاحبان صنایع و ثروتمندان ایالات متحده با خود، پس از جلب نظر دولت برای حمایت مالی از این پروژه، در تابستان ۱۸۵۸ میلادی، کابلی کشی زیر دریا را با استفاده از دو کشتی بریتانیایی و آمریکایی آغاز کرد. در این تاریخ هنوز ۵۶ سال تا آغاز جنگ بین‌المللی اول زمان باقی بود. اشتیاق وستفیلد برای به ثمر رساندن این ایده کاملاً قابل درک است، زیرا در آن دوران حتی مهمترین خبرها بیش از یک ماه زمان تا از اروپا به آمریکا (یا بالعکس) برسند. در عملیات نخستین، ویلیام تامسون دانشمند انگلیسی و همچنین ساموئل مورس مخترع تلگراف، وستفیلد را همراهی می‌کردند. اما کابل از دو نقطه پاره شد و کار به تعویق افتاد. چند ماه بعد دوباره کار کابلی کشی از نو آغاز شد و نهایتاً به نتیجه رسید.



سایروس وستفیلد

شرح بی‌نهایت

اشرف اولاد آدم

باز این چه شورش است که در خلق عالم است / باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است باز این چه رسته‌خیز عظیم است کز زمین / بی‌نفع صور خاسته تا عرش اعظم است این صبح تیره باز دمید از کجا کزو / کار جهان و خلق جهان جمله در هم است گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب / کاشوب در تمامی ذرات عالم است گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست / این رسته‌خیز عام که نامش محرم است در باگاه قدس که جای ملال نیست / سرهای قدسیان همه برزانی غم است جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند / گویا عزای اشرف اولاد آدم است

محتشم کاشانی

میر سر بریده

باد صباد آمد فردوس گشت، صحرا / آراست بوستان را، نیسان به فرش دنیا دست از جهان بشویم، عز و شرف تو جویم / مدح و غزل گویم، مقتل کم تقاضا میراث مصطفی را، فرزند مرتضی را / مقتول کرپلار، تازه کنم تولا آن میر سر بریده، در خاک خوانیده / از آب ناچشیده، گشته اسیر غوغا تخم جهان بی بر، این است وزین فزون تر / کهر عدوی مهتر، نادان عدوی دانا بر مقتل ای کسایی، برهان همی نمایم / گر هم برین بیایی، بی‌خاک گشت خرما تازنده‌ای چنین کن، دل‌های ماحزین کن / بی‌بوسه آفرین کن بر اهل بیت زهرا کسایی مروزی

فرجام

دوست خوب بچه‌های کتابخوان

«دخترک باید کبریت‌هایش را می‌فروخت تا پدرش به او اجازه برگشتن به خانه را بدهد، اما مردم در شب سال نو گویی به تنها چیزی که احتیاج نداشتند کبریت بود. سرما خیلی زود دخترک را از یادداشت، گوشه‌ای نشست و باروشن کردن تک تک کبریت‌ها به گرم کردن دست‌های خود مشغول شد. دخترک در شعله کبریت‌ها مادر بزرگ مهربان خود را می‌دید و برای این که مادر بزرگ نزد او بماند کبریت از بی کبریت روشن می‌کرد. در نهایت هنگام صبح، مردم شهر جسد او را که از سرما جان داده بود کنار دیوار و در میان انبوهی از چوب کبریت‌های سوخته یافتند.» ۱۴۷ سال پیش، برابر ۴ آگوست ۱۸۷۵ میلادی، هانس کریستین آندرسن، خالق داستان غم‌انگیز «دخترک کبریت فروش» در ۷۵ سالگی درگذشت. این نویسنده دانمارکی پس از اتمام دانشگاه به نگارش کتاب و رمان روی آورد. اما چون موفقیتی کسب نکرد، تصمیم گرفت داستان‌هایی برای کودکان بنویسد. آندرسن از سال ۱۸۳۵ تا ۱۸۷۲ میلادی به مدت ۳۷ سال، به طور متوسط سالی یک قصه از قصه‌های موسوم به پریان را برای کودکان نوشت. ۲۰ آوریل، سال روز تولد آندرسن، به عنوان روز جهانی کتاب کودک نام‌گذاری شده است.

